



به این ترتیب، «تذکر» بُعد عاطفی و احساسی بنیاد نظام اخلاق امام خمینی را پوشش می‌دهد و خداوند را به صحنه زندگی ما وارد می‌کند و او را محبوب قلب ما می‌سازد و در عرصه سیاسی مجاهدت و مقاومت عاشقانه را رقم می‌زند.

شاید این سؤال مطرح شود که پس بعد سیاسی این مراحل اخلاقی کجاست. پاسخ این است که اخلاق از منظر امام خمینی دو کارکرد دارد: اصلاح درون و بیرون، یعنی مبارزه با شیطان و طاغوت درونی و مبارزه با شیطان و طاغوت بیرونی یا برطرف کردن موانع کمال درونی و بیرونی. بر این اساس، اولین فعل اخلاقی اصلاح ساختار نظام سیاسی جامعه است، زیرا جامعه بستر تحقق اخلاق است.

سعادت در فقه سیاسی

امام خمینی تصریح می‌کند: «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن از نسبت صد به یک هم بیشتر است!»^{۱۲} ایشان معتقد است سیاست سر اسلام است،^{۱۳} لذا فقه هم از نظر ایشان سیاسی است و

را الگوی خویش قرار دهد و تلاش کند تا ظاهر خودش را مثل آن حضرت سازد.

مشارطه و محاسبه و مراقبه منزل سومی است که انسان مجاهد باید پس از منزل تفکر و عزم طی کند. مشارطه و محاسبه و مراقبه از زمین عزم می‌روید. وقتی انسان سالک عاقل تصمیم گرفت که وارد وادی شرع شود لازم است که در ابتدای صبح یا خود شرط کند تا شب از دستورات الهی تخطی نکند، بعد مراقب باشد که از چراغ قرمزهای شرع عبور نکند و خلاف فرمان خدا انجام ندهد و سپس شب هنگام مسیرش را بررسی کند، اگر دید طبق تعهد عمل کرده شکر خدا به جا بیورد و اگر ملاحظه کرد که جایی خطایی مرتکب شده، عذرخواهی کند و عزم جزم کند که فردا اشتباهش را تکرار نکند. به این ترتیب، فرایند نظارت بر خویشتن، که از دل زمین عزم برآمده و دارای سه مرحله چه کنم، چه می‌کنم و چه کردم می‌باشد، به فرجام می‌رسد.

تذکر آخرین منزل انسان سالک مجاهد است «و آن در این مقام عبارت است از یاد خدای تعالی و نعمت‌هایی که به انسان مرحمت فرموده»^{۱۴}.

منظور از این خلقت عالم بالا و بزرگ تری است. این حیات حیوانی مقصود بالذات نیست.^{۱۱}

روشن است که مردود دانستن هم‌افق بودن انسان و حیوان او مانع تمام می‌کند و پوشالی ساخته بشر را رد می‌کند و صراط مستقیم الهی به رهبری انبیا و اولیای الهی را در مقابل انسان قرار می‌دهد و به سرعت به او فانی بودن این جهان گذران و مهم و اصلی بودن جهان باقی را تذکر می‌دهد. به عبارت دیگر، با تفکر تکلیف انسان نسبت به خودش، مبدأ، معاد، ابدیت، دنیا، سعادت، شقاوت و مسیری که به سعادت و شقاوتش منجر می‌شود معلوم می‌شود.

پس از منزل تفکر، انسان شرعی وارد منزل عزم می‌شود. عزم جوهره انسانیت و تمایز بخش انسان و حیوان است. عزم در اینجا یعنی اولاً: انسان مجاهد تصمیم بگیرد از این لحظه به بعد دستورات شرع را انجام دهد و گرد معاصی نکرده. ثانیاً: اگر واجبی از او قضا شده یا از کسی حقی ضایع کرده، جبران مافات کند و حق الله و حق الناس بر ذمه‌اش باقی نگذارد. ثالثاً: حضرت رسول الله